

## نقش و جایگاه احزاب عربی در نظام سیاسی اسرائیل

جواد رکابی شرباف\*

استادیار، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

موضوع مشارکت سیاسی گروه‌ها، احزاب و اقلیت‌ها از مهم‌ترین حوزه‌های زندگی سیاسی در دوران معاصر است. از شاخص‌های مردم‌سالاری، میزان بهره‌وری اقلیت‌ها از فضای سیاسی و چگونگی مشارکت در تصمیم‌سازی و گردش نخبگان است. با توجه به میزان اهتمام نظام سیاسی حاکم به رعایت حقوق اقلیت‌ها، می‌توان به میزان برخورداری نظام سیاسی از مردم‌سالاری پی برد. مشارکت احزاب عربی و فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی از چالش‌های اساسی است که اسرائیل با آن روبه‌روست؛ و از سویی تمایلی به مشارکت عملی و جدی فلسطینی‌های ۴۸ ساکن اراضی در انتخابات نشان نمی‌دهد؛ و از سوی دیگر چاره‌ای جز تحمل این دامنه گسترده و پذیرش آنان در بخشی از نظام سیاسی خویش ندارد. پرسش پژوهشی اصلی آن است که با وجود همراهی همه‌جانبه فلسطینی‌ها در انتخابات مختلف و حضور در کنست، چرا اجازه ورود به ارکان قدرت و مشارکت سیاسی واقعی به آنان داده نمی‌شود. در فرضیه استدلال می‌شود که سقف محدود مشخص شده برای مشارکت غیر یهودیان در ساختار سیاسی و مشارکت عمومی در اسرائیل سبب شده است که حتی اگر احزاب عربی فلسطینی رأی گسترده و زیادی را به خود اختصاص دهند، از مزایای قانونی آن که مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سیاسی است، بهره‌مند نخواهند شد. با رویکردی تحلیلی-تبیینی، و با استفاده از روش تحلیل مفهومی داده‌های کمی و کیفی در مورد عوامل تأثیرگذار دربرگیرنده موانع حقوقی-قانونی، روند مشارکت احزاب عربی با گرایش‌های متفاوت (مسیحی، لائیک، اهل سنت، سوسیالیست و کمونیست) در ادوار مختلف کنست، میزان مشارکت فلسطینی‌ها در انتخابات انجام شده در دوره زمانی ۲۰۱۹-۱۹۴۹، گردآوری و تحلیل شدند تا نقش فلسطینی‌ها در ساختار سیاسی اسرائیل ارزیابی شود. یافته‌های پژوهش تأیید می‌کنند که ائتلاف احزاب عربی با یکدیگر و نیز ائتلاف با احزاب برتر یهودی تسهیل‌کننده ورود آنان به کابینه و مشارکت در امور اجرایی سیاسی سطح بالا نبوده است. پس از تصویب قانون دولت یهودی، دولت اسرائیل نشان داد که در عمل هیچ التزامی حتی به همان مشارکت سطح کم فلسطینی‌ها ندارد. بررسی مشارکت احزاب عربی در کنست و خروجی آن طی پنج دهه اخیر نمایانگر سقف مشارکت رو به کاهش با گرایش بیشتر به احزاب فلسطینی است.

واژه‌های کلیدی: احزاب عربی، انتخابات، دولت یهودی، فلسطینی‌های ۴۸، کنست، نظام حزبی

\* نویسنده مسئول، رایانامه: sharbaf@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴ تیر ۱۴۰۱، تاریخ تصویب: ۱۰ بهمن ۱۴۰۱

## ۱. مقدمه

فلسطین تنها نقطه‌ای از جهان است که کمابیش همه کشورهای مطرح، با آن نسبتی دور و نزدیک برقرار کرده‌اند. ایفای مسئولیت انسانی، دفاع از هم‌کیشان مسلمان، حمایت از یهودیان، پشتیبانی از تصرف سرزمین موعود، تلاش برای حل بحران یا کوشش برای یاری رساندن به آوارگان، استدلال‌ها و بهانه‌های دیگر، مهم‌ترین دلایل ورود کشورهای مختلف به این بحران سیاسی انسانی بوده است. این سرزمین ابراهیمی، با مداخله‌های قدرت‌های غربی به شکل سراسر ناعادلانه‌ای تقسیم شد (Queigly, 1990: 29). ایجاد کشوری نامشروع بر روی ویرانه‌های کشوری دیگر، در حقیقت این منطقه به کمینگاهی برای همه طرف‌های مداخله‌کننده تبدیل شده است. بیش از هفتاد سال مقاومت مدنی و مسلحانه از یکسو و مداخله‌های متعدد و رقابت‌های مختلف بر سر حضور یا نحوه حضور در منطقه، لایه‌های بحرانی بسیار بر لایه‌ها و رویه‌های پیشین پوشانده و پیوسته بر پیچیدگی‌های آن افزوده است (Valensi, 2016: 226-245). موج نخست بحران میان یهودیان و فلسطینی‌ها بود، و مداخله‌های بیرونی آن را به درگیری میان یهودیان و اعراب کشاند. هدف، اشغال سرزمین و کنترل فرصت‌های شغلی و تسلط بر جغرافیا بود و از بیان آن هیچ ابایی نداشتند. جغرافیای درگیری در این مرحله تسلط بر شهرهای فلسطینی و گسترش مناطق یهودی‌نشین بود (Jiryis, 1971). در موج دوم، درگیری به سطح بالاتری ارتقاء یافت و به منازعه کشورهای اسلامی و حامیان غربی اسرائیل منجر شد. در این مرحله جغرافیای درگیری از فلسطین به برخی کشورهای همجوار سرایت کرد. موج سوم فضا را برای ورود کشورها و ایجاد گروه‌های دست‌نشانده و وابسته فراهم کرد. در این مرحله جغرافیای درگیری‌ها تا پایتخت کشورهای اسلامی و عربی گسترش یافت. موج چهارم مداخله مستمر ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای و مداخله‌های رسمی و عینی و نیابتی آنان را موجب شد. جغرافیای درگیری در این حوزه کمابیش همه کشورهای مطرح جهان را در بر گرفته و تاکنون گریبان آنان را رها نکرده است. همه این امواج تابعی از ایده استعمار صریح فلسطین و کنترل همه‌جانبه آن از سوی صهیونیست‌ها بر اساس نقشه راه از پیش برنامه‌ریزی شده بود (Weinstock, 1973).

## ۲. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

فلسطینی‌ها پس از تأسیس اسرائیل در کمترین زمان ممکن از اکثریت به اقلیتی چند پاره تبدیل شدند؛ اقلیتی که در طول زمان و در کمتر از دو دهه درون مرزبندی‌های مشخص و سازمان‌یافته دولت نوحاسته یهودی محصور شده بودند. بخشی درون سرزمین اصلی فلسطین و با عنوان اعراب فلسطینی یا ۴۸، بخشی درون بیت المقدس که تا ۱۹۶۷ وضعیت بلاتکلیفی

داشت؛ و بخشی دیگر در دو جغرافیای منفک و منفصل در کرانه باختری و غزه قرار داشتند. دولت یهودی تمام تلاش خود را برای انفصال کامل و محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی انجام می‌داد. هر آنچه که به هویت ویژه و خالص فلسطینی برمی‌گشت، دولت اشغالگر را وامی‌داشت تا مانع احراز هویت واحد اجزای پراکنده شوند. نتیجه آن که هویت فلسطینی‌های داخل و خارج، دچار انفصال و افتراق شد. گرچه هر دو بخش خود را فلسطینی می‌خواندند، ولی ناخواسته و ناگزیر، شاخه فلسطینی‌های داخل با دولت یهودی به مرور پیوند خورد. پذیرش فعالیت سیاسی، حضور در کنست و مشارکت در امور جاری درجه دوم زندگی روزمره، از مزایای اندک این پیوند بود. بنا به تعبیر کیمبرلینگ فضای استعماری حاکم بر فلسطینی‌های داخل، توانسته بود سیاست فلسطینی‌زدایی از اعراب ۴۸ را تا حدودی محقق کند (Kimmerling, 2008: 235).

باروخ کیمبرلینگ از افرادی است که در این باره دیدگاه‌های چشمگیری داشته‌اند؛ وی ایده استعمار اسکانی و فلسطینی‌زدایی را مطرح کرده و در این مورد پژوهش‌های گسترده‌ای انجام داد. وی را باید در زمره جامعه‌شناسان و مورخان یهودی پست‌صهیونیست و نواندیش دانست که روایت‌های غالب و رسمی دولت اسرائیل درباره فلسطین را به چالش کشیده‌اند. از آن روایت‌ها، رسوب هویتی فلسطینی و هضم آنان در جامعه یهودی از راه گسترش مشارکت و پذیرش امر واقع در چارچوب فعالیت‌های حزبی سیاسی است. در همین زمینه، وی به موضوع آموزش و پرورش و نقش آن در اسرائیلی‌سازی جامعه فلسطینی اشاره می‌کند، و آن را از ابزارهای مهم هویت‌زدا (فلسطینی) و هویت‌زا (اسرائیلی) برمی‌شمرد. تحمیل هویت جمعی ذیل دولت اشغالگر به هویت‌های متعین و مشخص و منفرد پیشین، مهم‌ترین تلاش نظام فرهنگی حاکمیت جدید برای هویت‌زدایی بود (Moore & Kimmerling, 1995).

کیمبرلینگ جدا از موضوع هویت‌های مختلف یهودی، صهیونیستی یا اسرائیلی که مسئله را برای دولت استعماری با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرده است، از شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های متعدد در دولت یهودی به‌ویژه پس از موج‌های مهاجرتی از روسیه و اتیوپی یاد می‌کند (عبدالعالی، ۱۹۹۱: ۸۹). او با اشاره به تنوع و پراکندگی‌های موجود در جامعه اسرائیل، از دست‌کم هفت جامعه شهروندی در این رژیم نام می‌برد. گروه‌های مذکور به‌طور کلی جدا از یکدیگرند و شبکه ارتباطی، رسانه‌ای و مخاطبان مخصوص و هویت ویژه خود را دارند. از نظر او این خرده‌فرهنگ‌ها و جوامع فرعی عبارت‌اند از: اشکنازی‌های سکولار، یهودیان صهیونیست مذهبی، یهودیان مذهبی سفاردیم، یهودیان خریدیم اشکنازی، مهاجران روس، مهاجران فلاشا (یا اتیوپی تبارها) و عرب‌های فلسطینی که در داخل زندگی می‌کنند (عبدالعالی، ۱۹۹۱: ۸۹). به‌نظر می‌رسد که ایجاد حزب‌های قومی و زبانی، راه مناسبی برای بیان نگرانی‌های هر یک از این

گروه‌های جمعیتی بوده و نظام حزبی بهترین گزینه برای اداره امور آنان و به‌ویژه کنترل اعراب تلقی می‌شده است. از این منظر به بازی گرفتن اعراب فلسطینی که از آنان به‌عنوان «غائبان حاضر» در جامعه یاد می‌شود، در درون سپهر سیاسی اسرائیل و نقش‌آفرینی یا تظاهر به مشارکت سیاسی، از هر منظری که نگریسته شود، به سود نظام سیاسی مستقر بوده است (Kimmerling & Migdal, 2003: 170). این میزان از مشارکت محدود و تعریف‌شده به‌خوبی نیاز حاکمیت سیاسی اشغالگر را در راستای دمکراتیک بودن نظام، با کمک فلسطینی‌ها به تصویر کشیده، و از مزایای آن بیشتر و پیش از آن‌که اعراب بهره ببرند، استفاده کرده است.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که چگونه با وجود مشارکت گسترده فلسطینی‌ها در روند مشارکت سیاسی و پذیرش همراهی با حاکمیت یهودی، هنوز نتوانسته‌اند هیچ‌جا و جایگاهی در عرصه سیاست عملی و عینی و مشارکت در قدرت به خود اختصاص دهند. به عبارت دیگر، چگونه سطح مشارکت حداکثری، جواب مناسبی جز در کمترین اندازه مشارکت در ساختار قدرت و آن هم تنها در کنست پیدا نکرده است. چرا نظام سلطه، جواب مناسبی به مشارکت گسترده فلسطینی‌ها نداد؛ و ثمره این بی‌توجهی احزاب راست و یهودی به فلسطینی‌ها، زمینه را برای فعالیت‌های احزاب عربی و فلسطینی فراهم آورد تا بتوانند موقعیت کمینه ولی روبه‌رشد خود را در کنست تثبیت کنند. فرضیه این پژوهش آن است که سقف محدود مشخص‌شده برای مشارکت غیریهودیان در ساختار سیاسی و مشارکت عمومی در اسرائیل سبب شده است که حتی اگر احزاب عربی فلسطینی رأی گسترده و زیادی را به خود اختصاص دهند، از مزایای قانونی آن که مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سیاسی است، بهره‌مند نخواهند شد. با رویکردی تحلیلی-تبیینی، و با استفاده از روش تحلیل مفهومی داده‌های کمی و کیفی در مورد عوامل تأثیرگذار دربرگیرنده موانع حقوقی-قانونی، روند مشارکت احزاب عربی با گرایش‌های متفاوت (مسیحی، لائیک، اهل سنت، سوسیالیست و کمونیست) در ادوار مختلف کنست، میزان مشارکت فلسطینی‌ها در انتخابات در دوره زمانی ۲۰۱۹-۱۹۴۹، گردآوری و تحلیل شدند تا نقش فلسطینی‌ها در ساختار سیاسی اسرائیل ارزیابی شود. توجه دولت حاکم به احزاب عربی فلسطینی و عربی، عمق و اصالتی ندارد و تجربه‌های متعدد نشان داده است که برای مشارکت غیریهودیان در ساختار سیاسی و مشارکت عمومی، محدودیت ایجاد شده است. از این‌رو، حتی اگر فلسطینی‌ها رأی گسترده و زیادی را کسب کنند، ولی در شرایط نیاز شدید به حمایت و حضور آنان در انتخابات، از نتایج قانونی آن که مشارکت در کابینه و شراکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است، بهره‌ای نخواهند برد. تصویب قانون دولت یهود همه‌شک و شبهه‌های موجود در این زمینه را یکسره برطرف کرد و نشان داد که با وجود کرش همه‌جانبه جمعیت اقلیت غیریهودی به قوانین و مقررات و لوازم

و الزامات اشتغالگری و رعایت همه ملاحظات ممکن، هیچ‌گاه از شرایط عادلانه و برابر با جامعه یهودی برخوردار نخواهند بود.

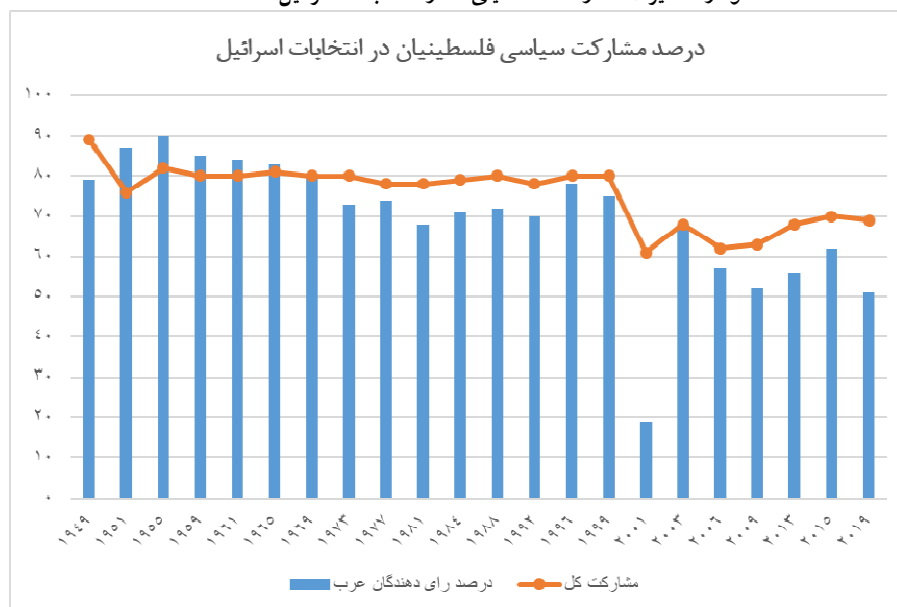
### ۳. احزاب عربی و دوگانه مشارکت یا پرهیز

فلسطینی‌های ساکن اراضی اشغالی با وجود آمارهای مختلف، جمعیتی در حدود ۲۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهند. بیشتر آنان در سه منطقه جلیله در شمال اسرائیل، منطقه مثلث مرکزی با محوریت قدس و صحرای نقب و البته حدود ۲۰ درصد هم در شهرهای مختلف دیگر به صورت امتزاجی سکونت دارند (Wermeno, 2019: 2). گرچه دسترسی به آمارهای ارائه‌شده تنها از مسیر منابع اسرائیلی میسر است، با تکیه بر همین آمار سیر نزولی مشارکت به‌خوبی مشاهده می‌شود. نرخ مشارکت ایشان در انتخابات، از آغاز بسیار بالا بوده است. تجربه حضور جامعه فلسطینی در فضای مشارکت سیاسی حتی پیش از اشغال، نشان می‌دهد که آنان، به ایفای نقش حتی در شرایط اشغال تمایل شدیدی داشته‌اند. مشارکت چشمگیر ۷۹ درصدی در نخستین سال پس از تأسیس (۱۹۴۹) و روند رو به افزایش آن تا شمار حیرت‌آور ۹۰ درصدی در ۱۹۵۵ گویای نکات مهمی است که باید به شکل ویژه بدان پرداخته شود. نمودار ۱ که به نقل از گزارش مرکز عربی مساوا<sup>۱</sup> مستقر در اراضی اشغالی منتشر شده است، به‌خوبی وضعیت میزان مشارکت فلسطینی‌ها را به تصویر می‌کشد.

گرچه این مشارکت تاکنون ادامه یافته، سیر نزولی چشمگیری پیدا کرده است. مشارکت فلسطینی‌ها تا پایان ۲۰۰۰ کمابیش میانگین ثابت ۸۰ تا ۷۰ درصدی را تجربه کرده ولی پس از آن روندی کاهشی داشته و در آخرین انتخابات مورد بحث در کنست بیستم این رقم به حدود ۵۰ درصد تنزل پیدا کرده است (Wermeno, 2019: 6). روی کارآمدن راست‌گرایان و استمرار قدرت بلامنازع گروه راست و افراط‌گرایان در اسرائیل، بی‌شک از مهم‌ترین دلایل کاهش مشارکت شهروندان فلسطینی بوده است. امید آنان برای بهره‌برداری از انتخابات برای خروج از حاشیه به متن سیاست در جامعه‌ای که دست‌کم ۲۰ درصد آن را فلسطینی‌های بومی تشکیل می‌دهند همواره به افول گراییده است. گزارش دیگری که در این زمینه منتشر شده است دربرگیرنده تغییر گرایش عمیق و توجه معنادار اعراب فلسطینی در شش دهه از احزاب اسرائیلی به سود احزاب فلسطینی است. هضم در جامعه اسرائیل، عقاید و ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و کمونیستی، تعاملات اقتصادی، پذیرش امر واقع اشغال، ناامیدی از احزاب فلسطینی در احقاق حقوق خود، خستگی از زندگی دوگانه و پذیرش همکاری با نظام حاکم و

منافع مترتب بر آن، می‌تواند از برخی دلایل این همراهی و هم‌رأیی با احزاب صهیونیستی باشد.

نمودار ۱. میزان مشارکت فلسطینی‌ها در انتخابات اسرائیل، ۱۹۴۹-۲۰۱۹



منبع: (Mossawa Center, 2019)

مسئله هویت از مهم‌ترین نکاتی است که درباره اقلیت فلسطینی ساکن اراضی اشغالی ۴۸ باید در نظر داشت. این موضوع البته به زندگی سیاسی نمایندگان آنها در چارچوب احزاب و گروه‌های سیاسی شناسنامه‌دار و اصیل و پایدار آنها، ارتباط پیدا می‌کند. بی‌تردید میان هویت این مجموعه با تسمیه آنان به نام‌های مختلفی که بدان متصف شده‌اند و هریک بر بخشی از هویت باقی‌مانده آنان اشاره می‌کند، رابطه مستقیم و بی‌واسطه‌ای دارد. کافی است به نام‌هایی که بر روی این اقلیت مقاوم و ماندگار در اسرائیل نهاده‌اند، تمرکز شود: عرب ۴۸، فلسطینی‌های ۴۸، اقلیت عرب، اعراب اسرائیلی، اسرائیلی‌های فلسطینی‌تبار، شهروندان غیریهودی اسرائیل، شهروندان عرب اسرائیل. احزاب عربی کدام هویت را در این کارزار گسترده نمایندگی و راهبری می‌کنند؟ همچنان که هویت‌سازی از مهم‌ترین کارویژه‌های احزاب به‌شمار می‌رود، نقطه مقابل آن هویت‌زدایی گسترده‌ای بود که از سوی حکومت در پیش گرفته شد (Hesketh et al., 2011: 13-15). هویت‌زدایی نظام‌مند (سیستماتیک) و پایدار

فلسطینی از هر آنچه به تاریخ پیش از تأسیس اسرائیل باز می‌گشت همه وجوه و جوانب حتی در قالب شهر و معماری و تاریخ و موسیقی و فرهنگ و کمابیش همه چیز را در برمی‌گرفت. جایی که حتی پوشیدن کوفیه و لباس و ظواهر عربی مورد سؤال و اعتراض شدید واقع می‌شد، چگونه می‌توان از سایر حقوق اولیه و قانونی سخن گفت؟ (Mendel & Ranta, 2016: 79) از این منظر، فلسطینی‌ها همیشه و همواره در نقش اپوزیسیون نظام سیاسی اسرائیل باقی خواهند ماند.

در حقیقت جواب گروه‌های گسترده احزاب به این پرسش که آیا توانسته‌اند نقش خود را ایفا کنند، با وجود پراکندگی، مضمونی واحد دارد. تفاوت و تمایز نسبت به نظام حاکم و احساس گسترده ناشی از این تبعیض دین/نژاد پایه تفاوتی دگرساز و نهفته در آنها (یهودیان) با ما (غیریهودیان) تاریخی سرشار از تقابل و تبعیض و ظلم را رقم زده است. مندل و رانتا به‌خوبی ادوار این دگرسازی را تشریح کرده‌اند (Mendel & Ranta, 2016: 111). دیگر پژوهش‌های متعدد مؤید این نکته است که پس از اشغال گسترده سرزمین فلسطین، در حرکتی نظام‌مند و دقیق، سازگار با چارچوب‌های نظری و مبتنی بر اصول نژادی/دینی، فلسطینی‌ها همواره در وطن خویش به چشم بیگانه نگریسته می‌شوند (Jabareen *et al.*, 2019). تصویب قانون دولت یهودی، نشان داد که حتی بر فرض پذیرش تغییرات جمعیتی گسترده نیز، هرگز فلسطینی‌ها در دایره قدرت حاکم پذیرش نخواهند شد. واکنش‌های شدید به این قانون به‌شدت تبعیض‌آمیز نشان داد که با هیچ شرایطی این قانون پسندیده جامعه فلسطینی نخواهد بود (Sneineh, 2021).

پیشینه فعالیت‌های حزبی اعراب ساکن فلسطین پیش و پس از تأسیس اسرائیل بیانگر تکاپوی بسیار آنان در عرصه سیاست بوده است. به‌عبارت بهتر امر سیاست، فعالیت‌های حزبی، تعامل و تقابل‌های منافع، گفتگو، دادوستد امتیاز، از دیرباز میان ایشان جریان داشته است. برخی از احزاب متکی و متأثر از خانواده‌های قدیمی و اصیل، به نمایندگی از منافع آنان تشکیل می‌شدند (The Country of Origin..., 2008: 12). به‌طور کلی، این اصل پذیرفته شده است که احزاب عربی نوعی حد میانه و فاصله میان زندگی سنتی عشیره‌ای و طایفه‌ای با نظام شهروندی هستند. قبیله و اقلیم‌گرایی سنت‌های قوی و قدیمی در ساختار سیاسی فلسطین به‌شمار می‌آیند. این ویژگی در غزه و کرانه باختری بیشتر و در میان فلسطینی‌های ۴۸ تا حدودی کمتر است. نگاهی به نام‌های خاندان‌هایی چون حسینی، نشاشیبی، برغوثی، شوآ، نصیبه، شاویش و مانند آنها در میان احزاب بیانگر وجود رابطه قوی میان طوایف، عشایر و احزاب با یکدیگر در راستای تامین منافع مشترک است (Robinson, 2008: 7). نظام سازماندهی قبیله‌ای، تأمین‌کننده پول، دفاتر، امکانات رسانه‌ای، تجهیزات، سازمان، پشتیبانی،

شبکه حامیان، تدارکات و در صورت نیاز نیروی مسلح برای کسب تفوق بر رقبا بوده است. این موضوع به‌ویژه در انتخابات شهرداری‌ها که گسترده‌تر و برای زندگی روزانه اعراب ملموس‌تر است بیشتر به چشم می‌خورد (Halabi, 2014). از سوی دیگر، حزب نیز تامین‌کننده اهداف سیاسی و فراهم‌آورنده سازوکارهای لازم برای عملیاتی کردن منویات رهبران قبایل و طوایف بوده است.

فلسطینی‌ها بر سر دوراهی تحریم یا همراهی، به دلیل ساختارهمزیستی بلندمدت با یهودیان، سالیان درازی با خود کلنجار نرفتند. جامعه فلسطینی تا پیش از جنگ و اعلام موجودیت اسرائیل، روابط مناسبی با یهودیان داشتند و از این منظر این همکاری ادامه منطقی آن روابط بود (Goren, 2006). گرچه جنگ مانعی بسیار مهم بر سر راه آنان نهاد و برای سالیان متمادی قاعده جامعه فلسطینی تمایلی به همکاری سیاسی و اجتماعی با اشغالگران از خود نشان نمی‌داد. در راس طوایف و خانواده‌ها ولی، این گرایش‌ها البته چندان خفته نبود. بنا به نیازمندی‌های مختلف، ضرورت‌های متعدد و روشنگری‌های بسیار، که منافع سیاسی و دوری و نزدیکی به قدرت و سلطه حاکم در آن نقش بسیاری داشت، تعاملاتی شکل می‌گرفت که سرریز آن به بخشی از جامعه فلسطینی هم می‌رسید. تغییر نگاه از دشمن اشغالگر به دشمن قابل تعامل و سپس فراموشی اصل موضوع اشغالگری به مرور زمان، پناه بردن از دشمن به قوانین مصوب او و تمکین از او در قالب شهروند آرام، کنترل‌شده و تحت فرمان، که زمان زیادی هم نبرد، مانع عمق بخشیدن به رفتارهای سیاسی جامعه فلسطینی شد. گونه‌ای از خودبیگانگی و دگردیسی رخ داده بود که در میان اعراب ۴۸ نمود و نماد بیشتری داشت (Smooha, 2010: 9). حد نهایی مشارکت سیاسی فلسطینی‌ها در تأیید و تثبیت امر واقع بود که از مسیر فعالیت‌های سیاسی کمینه و واپایش‌شده، به دست می‌آمد.

تجربه عمل سیاسی احزاب فلسطینی در هفت دهه گذشته نشان می‌دهد که دولت اشغالگر هرگز وجود فلسطینی‌ها را در فضای مولد قدرت سیاسی تحمل نمی‌کند. در حقیقت فلسطینی‌ها در زندان سه‌ضلعی دولت، جامعه یهودی، و گفتمان و نظام صهیونیستی مسلط زندگی می‌کنند (Hitman, 2013). برای پرهیز از احتمال بسیار اندک رشد جامعه فلسطین و تأثیر در فضای سیاسی آینده، با تصویب قانون دولت یهود، راه را برای هر گونه تغییر و تحولی دمکراتیک بسته و ضمانت‌ها و تضمین‌های لازم را برای خویش در نظر گرفته شده است. نگاهی به مصوباتی که فلسطینی‌ها در آن نقش چشمگیری داشته‌اند گواه آن است که سقف سازوکارهای قانونی برای فعالیت رسمی و قانونی احزاب عربی و فلسطینی در دولت اشغالگر بسیار اندک در نظر گرفته شده است. آشنایی با سازوکارهای قانونی به ایشان فضای اندکی برای تعامل با دولت اشغالگر می‌داده و نگاه همه فلسطینی‌ها به این مسئله در راستای تسهیل



زندگی در دوران اشغال منفی نبوده است. گرچه نتیجه و خروجی کار روشنگر این نظر است که نمایش همکاری و اجازه حضور به آنان در کنست، بیش از آنچه برای طرف فلسطینی موجد ارزش و موهم نقش آفرینی باشد، برای طرف اسرائیلی مؤید دمکراتیک بودن حکومت و همراهی همه بخش‌ها حتی مخالفان فلسطینی و ساکنان اصلی عرب این منطقه بوده است. تعبیر دموکراسی نژادی که سامی سموحه برای اسرائیل در نظر گرفته، بر این نکته گواه خوبی است (Smootha, 1997).

#### ۴. دامنه گسترده احزاب عربی

از اشتباه‌های رایج درباره احزاب عربی، یکدست تلقی کردن آنان است. این اشتباه راهبردی است که گروه‌ها و احزاب و فعالان سیاسی عرب در اراضی اشغالی را به صرف عرب بودن، یکسان قلمداد کرد. تفاوت سرشت و تنوع دیدگاه‌ها و رویکردهای آنان اگر بیش از همتایان یهودی خود نباشد، به یقین کمتر از آنان نیست. حجم انبوهی از مسائل و ویژگی‌های رفتاری و سلوک سیاسی و باورهای دینی، افزون‌بر سطح و عمق تعامل با اسرائیل، معرکه وسیعی از آرای متفاوت و گاه متضاد را سبب شده است. این اختلاف‌های درونی، جلوه بیرونی نیز یافته است. تاکنون هیچ‌گاه ائتلاف فراگیری میان احزاب عربی در رقابت‌های سیاسی شکل نگرفته است. حتی تصویب طرح «دولت یهودی» در کنست و پیامدهای هولناکی که این طرح می‌توانست برای آینده فعالیت‌های سیاسی همه غیریهودیان داشته باشد نیز سبب نشد تا در انتخابات بعدی ائتلاف جدی میان احزاب عربی شکل بگیرد. در چنین شرایط سخت و شکننده‌ای که احزاب عربی یکبار دیگر و بی‌پروا مورد هجوم همه‌جانبه نظام سیاسی یهودی حاکم قرار گرفته بودند، گمان می‌رفت جامعه احزاب عربی و ففاق و همسویی بیشتر و یک‌صدایی بیشتر از خود نشان دهند ولی واقعیت سیاسی نشان داد که منافع حزبی و نگاه بخشی‌نگر و جناحی، تا چه اندازه می‌تواند سبب انشقاق و انفصال گروه‌ها و احزاب عربی از یکدیگر بشود (Bligh, 2005: 2-14).

از مهم‌ترین نقش‌های مؤثر احزاب عربی، فاصله انداختن میان جامعه فلسطینی‌های داخل و خارج از منظر تقابل با اسرائیل است. پذیرش امر واقع و الزام در همزیستی با دولت جدید، تنها به کمک احزاب و گروه‌های سیاسی عربی ممکن بود. هیچ مسیر مطمئن دیگری برای پرهیز فلسطینی‌های داخل از مبارزه مسلحانه و پیوستن به نهضت آزادی‌بخش چونان فعالیت‌های حزبی کارایی نمی‌داشت. سرکوب شدید از یک سو و باز گذاردن راه فعالیت کامل تعریف‌شده سیاسی ذیل حاکمیت اسرائیل از سوی دیگر، زمینه کاهش قطعی رفتارهای خشونت‌محور را فراهم آورد. به عبارت دقیق‌تر، روند حرکت سیاسی احزاب عربی نقشی

واسط و به‌سان سپر و ضربه‌گیری مؤثر توانست طی سالیان پس از اشغال به‌درستی نقش خود را ایفا کند. از این منظر، تن دادن به مشارکت سیاسی در ازای دریافتی اندک در حوزه شهری و امور اجتماعی، ضمانت‌های امنیتی لازم را برای اسرائیل از سوی فلسطینی‌ها فراهم آورد. گرچه این مهم تغییری در سیاست مستمر آمیخته به تبعیض‌های مختلف و رسمی و قانونی ایجاد نکرد (Amnesty International, 2022: 82). کاری که در کرانه باختری و غزه کمابیش تعلیق به محال‌شده و بن‌بست مذاکرات و بی‌توجهی مطلق به خواسته فلسطینی‌ها، این مناطق را به انبار باروت تبدیل کرده است.

جامعه فلسطینی هوشمندانه هر دو سویه تعامل و تقابل شدید را طی سالیان پس از اشغال تجربه کرد. این موضوع بسیار مهمی است که رزمندگان فلسطینی تا زمان نگارش این اثر همچنان به آزادی فلسطین می‌اندیشند و به‌سان همه نهضت‌های آزادی‌بخش، اسلحه را کنار نگذاشته‌اند. اگرچه انتخاب این گزینه مصائب و مسائل بی‌شماری را برای فلسطینی‌ها به‌ویژه در غزه و محاصره سنگینی را به‌ویژه پس از انتخابات ۲۰۰۶ ایجاد کرده است. بار آزادسازی فلسطین پس از سرکوب فلسطینی‌های داخل و ساکنان کرانه غربی بر دوش غزویان افتاده است که به تعبیری گروهان انتخابات آزاد خود و بنابراین درگیر مجازات جمعی شده‌اند (Al Mezan Center..., 2021: 18). اگرچه نگاه جامعه جهانی، تحت تأثیر روایت‌گری رسانه‌های غربی به این نهضت آزادی‌بخش تغییر یافته است، ولی در مجموع وجود این گروه‌ها نشان می‌دهد که هنوز کورسوی آزادی فلسطین و رفع اشغال آن، طرفداران بسیاری دارد. افزون‌بر این، همه توصیه‌های نهادهای امنیتی پرهیز از رادیکال کردن گروه‌های فلسطینی و فراهم آوردن شرایطی برای زندگی سیاسی امن و آرام ایشان بوده است. توصیه‌ای که بیشتر از سوی جناح راست و افراطیون اسرائیل نادیده انگاشته می‌شود (Karsh, 2021: 17).

در هر حال، گروه دیگری که در بطن و متن جامعه اسرائیلی زندگی می‌کند، فضای مبارزه حقوقی و سیاسی را همچنان زنده نگه‌داشته است. اگرچه همان مسیر پدران را در سیاست‌ورزی دنبال می‌کنند، نسل جدید همسویی بیشتری در انتخابات و نامزدها و اهداف و برنامه‌ها با احزاب غیرفلسطینی نشان می‌دهند (Findell-Aghnati & Majzoub, 2022). بی‌تردید ایشان در چارچوب سیاست‌ها و به‌عنوان مکمل‌کننده معمای دمکرات‌نمای اسرائیل، عمل می‌کنند، ولی دیر و دور نیست که این مبارزه‌ها آگاهی جامعه هدف را از خواسته‌های جاری و کوتاه‌مدت به خواسته اصلی و واقعی که پایان اشغال است منتقل کنند. قانون نانوشته ولی معمول، حقیقی، عینی، مستمر و پایدار مبتنی بر سیاست آپارتاید و تبعیض‌های مختلف در تار و پود نظام سیاسی اسرائیل تنیده است (Amnesty International, 2022: 259). محدودیت‌های حزبی و غیرحزبی و نادیده گرفتن سیاسی احزاب فلسطینی، راه را گرچه

همچنان بسته نگه داشته، مانع حضور فعال در راستای احقاق حقوق نشده است. شاید بتوان از مهم‌ترین کارکردهای احزاب فلسطینی در کنست را زنده نگه‌داشتن آرمان فلسطین و ایجاد فضای حیاتی ولو بسته و محدود برای جامعه فلسطینی درون اسرائیل دانست.

در تمام سال‌های پس از اشغال، این قانون که نباید با احزاب عربی تعاملات نزدیک معطوف به قدرت و حضور ایشان در دولت و به شکل مشخص در کابینه کرد، به شکل متصلبی وجود داشته است. افزون‌بر آن یهودی‌سازی مناطق مختلف با هدف رهایی کامل از شر وجود فلسطینی‌ها به‌طور رسمی و به‌صورت آشکار و پنهان اعمال می‌شده است. گزارش افشاشده فرمانده جبهه شمالی به رابین که مورد پذیرش هم قرار گرفت، از این موارد است (Molavi, 2013: 11). تنها دوبار و در شرایط سخت این قاعده متزلزل شد؛ نخست در فضای پس از مذاکرات مادرید و پس از برگزاری انتخابات در ۹۲ و با هدف تشکیل کابینه بیست و پنجم که به‌سختی امکان‌پذیر می‌نمود، همکاری مشروطی میان «هدش» و حزب دمکراتیک عربی شکل گرفت. البته این همکاری سبب موفقیت حزب برای تشکیل کابینه متزلزل نشد ولی برای تحکیم موقعیت رابین، ضرورت داشت و کنست نیز از این روند حمایت می‌کرد (Frisch, 2011: 44). شرط اساسی و خط قرمز که البته وارد نشدن هر دو حزب به کابینه و احراز مقام رسمی دولتی بود، رعایت شد. همین اندازه تعامل با اعراب و احزاب آنان نیز از سوی یهودیان افراطی تحمل نشد و رابین به پادافره این اشتباه راهبردی در تعامل با اعراب و پیگیری روند صلح، ترور شد (Rabinovich, 2004: 39). مرحله دوم نیز در کنست ۲۴ بود که گره‌گشایی بحران دو ساله و رفع مسدود شدن نظام سیاسی حزبی به دلیل نبود امکان ائتلاف احزاب با یکدیگر در پی برگزاری سه انتخابات پیاپی، حزب کوچک «رع»<sup>۱</sup> به رهبری منصور عباس بحران را برطرف کرد. گرچه شرط اصلی حضور نداشتن در کابینه در حالی که چهار کرسی در کنست داشت، همچنان پابرجا باقی ماند (Boxerman, 2021). این شرط اصلی نشان داد که اعراب حتی احزاب عربی که بیش از نیم سده پیشینه خدمت در حکومت و حاکمیت را داشته‌اند، در کابینه اسرائیل هیچ جایی ندارند. رفتار سیاسی متمدن‌گونه فلسطینی‌ها در طول هفت دهه پس از اشغال و تلاش برای مشارکت در فضای سیاسی و رعایت حداکثری لوازم و الزامات آن، به‌خوبی گواه آن است که نظام سیاسی اسرائیل، نقشی برای آنان در نظر نگرفته و از این حیث فعالیت آنان برای دستیابی به قدرت از مسیر معمول، مسدود و عمل سیاسی آنان ابتر است.

تنوع و تکثر آرا در ذات جوامع فعال و پویا نهفته است. این پویایی در مرحله تصمیم‌سازی بسیار مفید و کارگشا خواهد بود، ولی اگر در حیطه عمل آن هم در شرایط بحرانی چون جنگ

و اشغال رخ دهد، کم از فاجعه نخواهد بود. به دلایل مختلف در هر دو حوزه میدان و دیپلماسی، فلسطینی‌ها دچار تفرق و تکثر بسیار شدند. گرچه صلاح عبدالشافی فعال فلسطینی از تعدد و پراکندگی فلسطینی‌ها با عنوان کلی پراکندگی در عین وحدت یاد می‌کند، ولی در حقیقت تکثر گروه‌ها و تشکیلات و دسته‌بندی‌ها، زمینه را برای تفرقه و تسهیل تعامل با ایشان از سوی اسرائیل فراهم می‌آورد (Shafi, 2010). فلسطینی‌ها نیز که در مقایسه با دیگر اعراب از سواد و دانش بهتری برخوردار بودند، چه در میدان و چه در حوزه تصمیم‌سازی و عمل سیاسی به این ورطه گرفتار آمدند و تأسیس ساف هم مشکلات موجود را برطرف نکرد. وحدت نظر و عمل به کلی از میان فلسطینی‌ها در نحوه تعامل با اسرائیل رخت بریست.

این تفرق، زمینه‌ساز تعاملات آشکار و پنهان در قالب گفت‌وگوهای صلح، مذاکرات مادرید و از همه مهمتر قرارداد اسلو شد. حتی پس از اسلو نیز میان نسل قدیم و جدید مبارزان بر سر گرایش و کاربست سلاح در تقابل با اسرائیل بحث‌های بسیاری در جریان بود؛ گرچه نگاه غالب البته گفت‌گو و مصالحه بود (Jamal, 2006). این سبک تعامل با دشمن و بازنگری در اصول مبارزه و تغییر مفاد اساسنامه، توجیه مناسب‌تری برای تعامل نزدیک‌تر میان طرفین در داخل اراضی اشغالی می‌شد. هرچند هیچ‌گاه دشمنی و تروریست دانستن جامعه فلسطینی از سوی طرف مقابل انکار نشد. این روند دشمنانه با وجود عقب‌نشینی‌های مکرر در جامعه، دولت، حکومت و هر جای ممکن دیگر، جواب مناسبی نیافته است. این دشمنی تا همچنان تازه و عمیق و کینه‌ورزانه ادامه دارد، و تا آنجا رسیده است که نماینده کنست اشتباه نابخشودنی بن گورین را ناتمام گذاشتن کشتار و اخراج «همه» فلسطینی‌ها می‌داند و به صدای بلند در کنست اعلام می‌کند (Ben Gurion Should, 2021).

نکته شایان توجه آن است که تفاوت جغرافیایی سکونت فلسطینی‌ها و محتوای آن از پایه متفاوت آن است. بر مبنای دوری از سلطه مطلق اسرائیل و نرمی و سختی تعامل طرفین می‌توان به ترتیب به غزه، کرانه باختری، قدس و سپس سایر مناطق فلسطینی‌نشین اشاره کرد. فلسطینی‌های ساکن در اراضی اشغالی حجمی از تعامل روزمره را با اشغالگران تجربه کرده‌اند، و اکنون و به مرور زمان، کم‌کم خواسته یا ناخواسته به بخشی از موجودیت اسرائیل تبدیل شده‌اند. این بی‌تمایلی و ناخواستگی بی‌تردید دوطرفه بوده و گریز و گزیری از تحمل آن نبوده است. تبادل اتهام‌ها و اعمال فشار و کراهت از باهم‌بودگی در زندگی روزمره انعکاس‌های پی‌درپی داشته است. این تعبیر خاخام برجسته یاکوف زایسبرگ، در موعظه‌های هفتگی به گوش مخاطبان فلسطینی نیز رسیده بود که این علف‌های هرز را باید از ریشه کند و بیرون افکند (Bar-Siman-Tov, 2010: 236). این موضوع را طی دهه‌ها، طرفین شیوه تعامل محدود و مشخص با یکدیگر دریافته و بدان تن در داده‌اند. این امر حتی از سوی دیگر

فلسطینی‌های خارج از اراضی ۴۸ نیز پذیرفته شده است. هرچند در دهه نخست اعتراض‌های فراوانی در این باره شد، کم‌کم از حجم مخالفت‌ها و حساسیت‌ها کاسته شد و اینک و در پی تحولات جاری و کوشش اسرائیل برای یک‌دست کردن حکومت یهودی، این تلاش‌های اندک، پراکنده و محدود و با سقف مشخص و حیطه مختصر احزاب عربی، مغتنم نیز شمرده می‌شوند.

### ۵. محدودیت‌ها و تضییقات سازمان‌یافته

دولت یهودی از نخستین ادوار کنست به شکل سازمان‌یافته‌ای مانع حضور جدی، مؤثر و کارآمد، و البته گسترده فلسطینی‌ها در مجلس قانونگذاری شده است. این روند ثابت عرب‌گریزی و سپس عرب‌هراسی به شکل گسترده‌ای در میان احزاب راست، چپ و میانه اسرائیل با شدت ادامه یافته است. نکته کانونی این رفتارهای ناسازوارانه (پارادوکسیکال)<sup>۱</sup>، پذیرش مشارکت از سویی و جلوگیری از تحقق واقعی مشارکت و به کم‌ترین رساندن تأثیرگذاری فلسطینی‌ها در ساختار سیاسی، نموده‌های عینی بسیاری داشته است. مهم‌ترین این موانع ساختاری، حقوقی و قانونی را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

- ایجاد محدودیت در ارائه فهرست‌های غیر یهودی و به‌طور آشکار عرب با افزایش حد آستانه ورود از ۲ درصد کل آرا به ۳/۲۵؛
- ترسیم عملی شهروندی درجه ۲ برای اعراب در همه شئون و به‌ویژه در قانونگذاری (قانون دولت یهودی و اختصاص اسرائیل به یهودیان)؛
- مخالفت با ثبت نام گسترده نامزدهای عرب از راه‌های قانونی؛
- ترغیب اعراب به مشارکت در احزاب غیرعربی با هدف هضم و حذف؛
- استمرار سیاست قدیمی ایجاد اختلاف در میان اعراب و رقابت درون بیت عربی؛
- تعریف ویژه از فلسطینی‌ها به اعراب ساکن اراضی ۴۸ و محدود و منحصر کردن آنها به ساکنان و دارندگان حق شهروندی؛
- مداخله‌های رسمی ضد عربی «کمیسیون مرکزی انتخابات» (حکم دادگاه در مورد منع شرکت حزب بلد در انتخابات ۲۰۲۳)؛
- حذف نمادهای فلسطینی و به‌ویژه پرچم فلسطین در مراکز دولتی و دانشگاه‌ها و سایر محدودیت‌های تبلیغاتی؛
- سختگیری بیشتر نسبت به هزینه‌های تبلیغاتی نامزدهای عرب و کنترل چندلایه منابع مالی و رصد تبلیغات انتخاباتی آنها؛

- کنترل مستمر و عمیق نسبت به نامزدهای عربی که به مشارکت سیاسی تمایل دارند.
- شرایط نابرابر تأسیس احزاب عربی در مقایسه با دیگران؛
- لزوم التزام عملی نامزدها و نمایندگان عرب به اصول و قانون پایه و مجازات برای گناهگاران؛
- تلاش سازماندهی شده برای دور کردن فلسطینی‌ها از پارادایم عرب ۴۸ و اشغال‌گربودن اسرائیل؛
- تعامل سرتاسر متفاوت و معنادار با فلسطینی‌های ساکن بیت‌المقدس، کرانه باختری و غزه؛
- ترویج سازمان‌یافته عرب‌هراسی در میان یهودیان با هدف دوری کامل از اعراب.

### ۶. کارکرد احزاب عربی

شاید مفهوم احزاب طفیلی برای احزاب عربی نسل جدید که متفاوت از اجداد خویش عمل می‌کنند، تعبیر مناسبی نباشد، ولی در عمل آنچه را که در دو دهه نخست پس از تأسیس رخ داد، در حقیقت نمی‌توان جز این نام نهاد. در طول دهه‌های بعدی نیز این حالت طفیلی بودن به‌ویژه در شرایط ائتلاف‌های حزبی با احزاب راست و افراطی بسیار آشکار است (Ghanem, 2016). در بیشتر موارد، این احزاب از سوی دیگران یا حائز کمینه‌های مناسب برای ائتلاف تشخیص داده نمی‌شدند، یا اگر هم این اتفاق روی می‌داد، تنها به‌دلیل روابط نفر اول حزب و اعتماد ناگزیر بود که در طول زمان به شخص مورد نظر پیدا شده بود. احزاب عربی در این دو دهه در حقیقت تابعی از شخص رئیس و رهبر حزب و خاندان‌ها و فامیل‌های معروف به‌شمار می‌آمدند (Amr, 1998). اگر حزب بنا به مصلحتی، تعامل بیشتر و عمیق‌تر را نمی‌پسندید، رهبری سرمایه اجتماعی حزب را که از آن خود می‌دانست، بازتصرف می‌کرد و گسستگی حزبی و پیامدهای تلخ آن برای جامعه فلسطینی رقم می‌خورد. این وضعیت پر شکاف و ناسازگاری تفاوت جدی میان نسل قدیم و جدید و پیش و پس از اسلو هم نداشت و نسل جدید نیز بر همان راه، ولی با شیوه‌ای جدید در فضای سیاسی گام برمی‌داشت (Jamal, 2006: 229-256).

مروری بر نقش احزاب عربی در سپهر سیاسی اسرائیل نشان می‌دهد که بیشترین کانون توجه و حوزه عمل این گروه‌ها و احزاب، در حیطه عمل اجتماعی و امور شهری، فرهنگ و هنر و مسائلی از این دست بوده است. نگاهی به فهرست جلسه‌ها و فعالیت‌ها و دستور جلسه‌های کمیته ویژه اعراب در کنست منعکس‌کننده همین مباحث است. با توجه به آئین‌نامه‌های کنست، کمتر طرح و برنامه، و پیشنهاد مهمی از سوی این احزاب عربی مجال طرح می‌یافت. نگاهی گذرا بر مصوبات دوره‌های کنست گواه آن است که در کمتر طرح

تصویب شده‌ای می‌توان نقش مهم و اثرگذاری برای ایشان قائل شد. در کل، آنچه که می‌توان از این لحاظ در سبب همکاری مؤثر طرفین قرار داد و به آن وزنی بخشید، جز در حوزه مسائل شهری و برخی نکات حقوقی و نظایر آن در حوزه تأسیسات و اداره امور شهری و روستایی، آموزش، مباحث خرد اقتصادی، فرهنگ و هنر و مانند آن، چیز دیگری وجود ندارد. سقف دریافتی‌های آنان از وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی نیز چند معاونت وزیر، وزیر مشاور، سفیر، چندین مدیر کل و مانند آن بوده و می‌توان گفت که هیچ سهمی از قدرت واقعی در حوزه عمل سیاسی (و نه حتی نظامی و امنیتی) نصیب ایشان نشده است.

احزاب عربی در سپهر سیاسی مورد نظر، دامنه گسترده‌ای از گرایش‌های سیاسی را در برمی‌گیرد. به فراخور عادت این گمان به ذهن متبادر می‌شود که احزاب مذکور، اسلام‌گرا یا مدافع آرمان فلسطین هستند یا باید باشند، ولی در واقع چنین نظری درست نیست (Peled, 1992). دامنه گسترده‌ای از احزاب و گرایش‌های لیبرال، سکولار، کمونیست، طرفدار صهیونیسم، مسیحیان، گرایش‌های فمینیستی در کنار احزاب اسلام‌گرا که قائل به نابودی اسرائیل یا نابودی دولت یهودی هستند، در ذیل این عنوان قرار می‌گیرند. این جمع پراکنده اهداف بسیار متنوعی را نمایندگی می‌کنند و کمابیش می‌توان گفت درباره هیچ موضوعی حتی پایان اشغال یا تأسیس دولت فلسطینی، نگاه واحد و صدای یکسانی ندارند. چنین دامنه گسترده‌ای (از چپ همسو با گرایش‌های احزابی چون مرتص، تا راست افراطی چون حزب لیکود) به شکل متناقض‌نمایی نمی‌تواند در فضای زیر اشغال، هدف واحدی را پیگیری کند. بدیهی است که این تفرق نه تنها به مشکلات درون بیت فلسطینی، بلکه به فتنه‌انگیزی دولت اشغالگر هم بازمی‌گردد. فضای عمومی ولی بیشتر متمایل است تا با اعراب داخل به تفاهم و عادی‌سازی دست پیدا کند و برای آن راه‌ها و روش‌هایی را نیز پیشنهاد می‌کند (Averbukh, 2021).

روند مشارکت احزاب عربی در ادوار مختلف کنست، اداهای متفاوتی را به خود دیده است؛ گاه با مخالفت بر روی سطح و نوع همکاری، دوره‌ای از انتخابات به تحریم کشانیده شده است؛ گاه دادگاه عالی مانع ارائه فهرست و مشارکت برخی احزاب عربی شده و گاه با کمترین مزاحمتی، انتخابات برگزار شده است (Peled, 1992). بیشتر فضای سیاسی پیرامونی دولت اسرائیل مانند جنگ‌ها و درگیری‌های مختلف بر میزان کاهش یا افزایش مزاحمت‌ها تأثیر مستقیم داشته است. پس از هر جنگ، شرکت در انتخابات از سوی احزاب و جامعه فلسطینی کاهش مختصری داشته است. تمامی هدف و تلاش جامعه فلسطینی در مورد مشارکت در انتخابات تمایل قطعی برای خروج از حاشیه به متن بوده است. تلاش‌هایی که برابر با حرکات مسلحانه بود و نتایج حداقلی خود را داشت ولی می‌توانست با همراهی مذاکره

و کاربست تعاملات سیاسی جایگاه و پایگاهی برای فلسطینی‌ها بیافریند. هرچند سیر مشارکت احزاب و رأی‌دهندگان عرب در دو دهه اخیر سده بیست‌ویکم به کم‌ترین اندازه خود رسیده بود، ولی بالاترین میزان مشارکت اعراب در زمان استقرار دولت راست‌گرای نتانیا هو و با هدف مقابله با زیاده‌خواهی‌های راست‌گرایان افراطی به ثبت رسید (Holmes, 2021).

سه حزب بزرگ عربی که از آغاز تأسیس اسرائیل، نمایندگی جامعه عرب را در فضای سیاسی زیر اشغال برعهده داشته‌اند، عبارت‌اند از: ۱. «هدش»<sup>۱</sup> که برخی شهروندان یهودی را هم به عضویت می‌پذیرد؛ ۲. «فهرست متحده عربی»،<sup>۲</sup> که ترکیبی از احزاب کوچک و سایر گروه‌های سیاسی کم‌شمار و نوظهور است؛ ۳. «بلد»<sup>۳</sup>. افزون‌بر این، باید حزب «تعال»<sup>۴</sup> را هم که گرایش چپ و گاه مشارکت فعالی هم طی سه دهه داشته است، براین فهرست افزود (Rudnitzky & Radai, 2017). در جدول ۱، ویژگی اصلی این احزاب فلسطینی در فهرست مشترک ائتلاف برای انتخابات مارس ۲۰۱۵ مشخص شده است. کمابیش هیچ زمان نبوده است که این چهار حزب وارد فضای تعامل مثبت و هم‌افزایی با یکدیگر بشوند. برخی ارتباطات فراحزبی مانند دادوستد با مراکز قدرت، دوری و نزدیکی به احزاب درجه نخست همچون کار و لیکود، باز و بسته بودن حزب بر روی عضویت یهودیان، جلب نظر و حمایت و پشتیبانی رأی‌دهندگان، توان مالی مناسب برای تبلیغ، جذب نامزدهای معتبر، زدوبندهای معمول در مورد قرار گرفتن در رده‌های بالای فهرست انتخاباتی، رقابت‌های درون خانواده فلسطینی و نظایر آنها سبب کاهش شمار کرسی‌های آنان شده است (Peled, 1992).

پذیرش امر واقع و همکاری با دشمن همواره در میان جامعه فلسطینی مورد بحث و مناقشه بوده است. بخش چشمگیری از گروه اسلام‌گرا از پایه هر گونه پذیرش، تعامل، گفت‌وگو و همکاری را به پشت‌گرمی حمایت‌ها و تشویق‌های برادران عرب خود، رد می‌کردند. از سوی دیگر، الزامات زندگی زیر اشغال به‌گونه‌ای بود که چاره‌ای جز همکاری با هدف تامین چتر آسایش و رفاه کمینه در سایه اشغالگری، وجود نداشت. تجربه فعالیت‌های حزبی مشترک به‌ویژه در احزاب کمونیستی پیش از تأسیس اسرائیل، زمینه‌های همکاری و تعامل و به اصطلاح اعراب، «تعایش» را مهیا ساخته بود. پایان قیمومیت و خروج انگلیس پیش از عملیاتی شدن طرح تقسیم، درگیری‌های پراکنده و در نهایت اشغال فلسطین و حوادث مرتبط با آن، گرچه پیامدهای شکننده و عمیقی باید از خود برجای می‌گذاشت، در عمل موجب عقب‌نشینی سیاسی فعالان فلسطینی نشد.

- 
1. Hadash
  2. United Arab List (Ra'am)
  3. Balad
  4. Ta'al



جدول ۱. احزاب فلسطینی در فهرست مشترک ائتلاف برای انتخابات مارس ۲۰۱۵

نام حزب / (رهبر حزب در ۲۰۱۵)	ویژگی (تاریخ تأسیس، دیدگاه‌ها و مواضع اصلی حزب)
هادش یا هاداش - الجبهة الديمقراطية للسلام والمساواة - جبهه دموکراتیک برای صلح و برابری <sup>۱</sup> / (ایمن عوده)	۱۹۷۷ - چپ‌گرا، سوسیالیست، منافع عرب، موافق تشکیل دو کشور برای دو ملت، همگرایی کامل فلسطینی‌ها در اسرائیل و برابری برای همه اعراب اسرائیلی
بلد - التجمع الوطني الديمقراطي - مجمع ملی دموکراتیک <sup>۲</sup> / جمال زهلکه	۱۹۶۶ - سکولار، چپ‌گرا، سوسیال‌دموکرات، ضدصهیونیست، موافق حق بازگشت برای آوارگان فلسطینی، خواستار تبدیل اسرائیل به «دولتی برای شهروندانش» ولی تأکید بر ملی‌گرایی عربی و پان-عربیسیم.
رعیم - القائمة العربية الموحدة - فهرست متحده عربی <sup>۳</sup> / (منصور عباس)	۱۹۹۶ - مسلمانان مذهبی مرتبط با شاخه جنوبی جنبش اسلامی در فلسطین ۴۸ در اسرائیل، جدانشده از شاخه شمالی تحریم‌کننده انتخابات اسرائیل، موافق راه‌حل دو کشوری، خواهان همگرایی جزئی فلسطینی‌ها در اسرائیل و در عین حال خود-مدیریتی آنها.
تعال - الحركة العربية للتغيير - جنبش عرب برای تغییر <sup>۴</sup> / (احمد الطیبه)	۱۹۹۶ - سکولار، خواستار برابری مدنی برای فلسطینیان در اسرائیل، موافق راه‌حل دو کشوری

یادداشت‌ها:

1. *Hadash*, Democratic Front for Peace and Equality (DFPE); 2. *Balad*, National Democratic Assembly (NDA); 3. *Ra'am*, the United Arab List (UAL); 4. *Ta'al*, Arab Movement for Change (AMC).

منبع: (Wermenobl, 2019: 18)

در میان احزاب عربی باید به‌طور مشخص جای ویژه‌ای برای اقلیت دروز<sup>۱</sup> در نظر گرفت. سالیان دراز پیش از تأسیس اسرائیل، جامعه دروزیان روابط حسنه‌ای با مقامات نظامی و امنیتی یهودی داشتند. در پرتو همان روابط در آغاز تقسیم فلسطین، برخلاف همه اعراب، در ۱۹۵۶ و طی توافق‌نامه‌ای رسمی، جانب اسرائیل را اختیار کردند و به خدمت کامل در ارتش و سایر نهادهای نظامی درآمدند (Hesketh et al., 2011: 64). بنابراین نقش و موقعیت ویژه‌ای را که آنان در تمام این مدت از پیش تعامل نزدیک با اسرائیل داشتند نمی‌توان نادیده گرفت. این نزدیکی برای هر دو طرف مزایا و دستاوردهای فراوانی دربرداشته است. در نتیجه بیشترین بهره برای اقلیت دروز بوده که توانسته است چهره‌های سیاسی وابسته به خود را به کمک همراهی با حزب کار تا نزدیک کابینه اسرائیل بنشانند (Aboultaif, 2015). وجود فهرست بلندبالایی از مسئولیت‌های بزرگی چون معاونت کنست، وزیر مشاور، سفیر، دیپلمات و فرماندهان نظامی و ... حاکی از آن است که این اقلیت عرب، در کارنامه سیاسی پیروانه خود از

1. Druze

دولت مرکزی توانسته با دوری از فلسطینی‌ها، بیشترین نصیب را ببرد. گرایش سیاسی این جامعه به‌طور معمول به‌سوی احزاب اسرائیلی و صهیونیستی بوده است، و پیشینه ائتلاف‌های انجام‌گرفته بر این نکته گواه است. بنابراین، هنگام بحث درباره نقش و موقعیت احزاب عربی از این نکته نباید غافل شد که گاه برخی اقلیت‌ها مانند دروزیان، همگرایی با اسرائیل و زیست مشترک و همسویی با آنان را بر تعامل با هم‌کیشان و برادران عرب خود ترجیح می‌داده‌اند (Hamdy, 2008).

## ۷. نتیجه

در مورد همکاری یا همکاری نکردن با رژیم اشغالگر در میان فلسطینی‌ها دسته‌بندی‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی هر نوع همکاری با اسرائیل را در هر شکل و قالبی محکوم می‌کنند، از اساس موجودیت این رژیم را به رسمیت نمی‌شناسند، و گفت‌وگو و تعامل با اشغالگران را نمی‌پذیرند. گروه‌های مقاومت و به‌ویژه حماس و جهاد اسلامی در زمره این دسته به‌شمار می‌آیند. در میان سایر فلسطینی‌ها، دسته‌بندی‌های دیگری نیز در مورد سطح و عمق همکاری با اسرائیل وجود دارد. برخی دیگر تعامل با اسرائیل را با کراهت و ناگزیر پذیرفته‌اند. اینان همه فلسطینی‌ها مجبور به کار در مناطق ۱۹۴۸ هستند و روزانه در تعامل جاری و اجباری با عوامل اجرایی دولت و نظامیان‌اند. تأمین معاش، آنان را مجبور به نوعی تعامل ناخواسته، روزانه، و اجباری با دولت و عوامل اجرایی او کرده است. دسته سوم کسانی‌اند که مایل‌اند از ظرفیت‌های اسمی و قانونی دولت اشغالگر، بهره حداقلی ببرند و در تأمین حقوق و منافع فلسطینی‌ها، از ابزارها و روش‌های دولت اشغالگر استفاده کنند.

حضور در کنست و سایر حواشی فعالیت حزبی و سیاسی مانند انتخابات شهرداری‌ها یا مشارکت در امور اجتماعی دیگر، از نظر فعالان سیاسی، زمینه را برای کاهش آلام فلسطینی‌ها فراهم می‌کند. از منظر آنان، افزایش بهره‌مندی از مواهب همکاری با دشمن یا تمکین امر واقع، به قابل تحمل شدن شرایط سخت زندگی در دوران اشغال و کاهش تیزی، خشونت و وحشی‌گری دشمن کمک می‌کند. بسیاری از نمایندگان عرب کنست، با گرایش‌های مختلف (مسیحی، لائیک، اهل سنت، سوسیالیست و کمونیست)، با چنین نگرشی به انتخابات و فعالیت‌های حزبی روی آورده و کوشیده‌اند نقش عرب خوب و مطیع را در موقعیت‌های مختلف ایفا کنند. سقف خواسته‌ها و آمال این گروه، کف خواسته‌های گروه نخست به‌شمار می‌آید. در میان اعراب، از دروزیان نیز می‌توان نام برد که در حقیقت تنها گروهی از اعراب هستند که نه تنها امر واقع رژیم صهیونیستی را پذیرفته‌اند، بلکه با تمام وجود در خدمت او درآمده‌اند و خود را عضو رسمی جامعه یهودی و شهروند درجه یک آن جامعه تلقی می‌کنند.

این نگرش از سوی دولت نیز ترویج و تبلیغ می‌شود، و تعامل دوسویه‌ای میان این دو شکل گرفته است. در حقیقت دولت یهودی، هیچ فضایی را برای فلسطینی‌ها، حتی نزدیک‌ترین آنان به خود نیز باز نگه نداشته است. مشارکت فلسطینی‌ها در حوزه فعالیت‌های سیاسی، محدود و محصور به کنست و سقف فعالیت‌های آنان به‌شمار می‌آید. این روند به ناامیدی جامعه فلسطینی از همکاری با رژیم منجر می‌شود و انسداد سیاسی زمینه را برای حرکت‌های انقلابی و مسلحانه فراهم می‌کند.

### بیانیه نبود تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده است.

### منابع و مأخذ

#### الف) فارسی

۱. عبدالعالی، عبدالقادر. (۱۳۹۱) رژیم اسرائیل و گسست‌های سیاسی - اجتماعی آن، ترجمه محمد خواجوی. تهران: ابرار معاصر.

#### ب) انگلیسی

2. Aboultaif, Eduardo Wassim (2015) "Druze Politics in Israel: Challenging the Myth of "Druze-Zionist Covenant," *Journal of Muslim Minority Affairs* 35, 4: 533-555, <DOI:10.1080/13602004.2015.1039810>.
3. Amnesty International. (2022) *Israel's Apartheid Against Palestinians*. London: Amnesty International.
4. Amr, Ziad Abu. (1998, September-October) *Notes on Palestinian Political Leadership. Middle East Report* 154. Available at: <https://merip.org/1988/09/notes-on-palestinian-political-leadership> (Accessed 23 June 2022).
5. Averbukh, Lidia. (2021) "Towards Jewish-Arab Normalization in Israel: Israeli Arabs want a more Pragmatic Politics While Jewish Parties Court the Arab Vote," trans. Jan Cleave. *SWP Comment*. Berlin: Stiftung Wissenschaft und Politik (German Institute for International and Security Affairs). Available at: <https://www.swp-berlin.org/10.18449/2021C18> (Accessed 23 June 2022).
6. Bar-Siman-Tov, Yaacov. (2010) "Barriers to Peace in the Israeli-Palestinian Conflict," *Jerusalem Institute for Israel Studies* 406 ([jerusalemintstitute.org.il](http://jerusalemintstitute.org.il)). Available at: <https://jerusalemintstitute.org.il/en/publications/barriers-to-peace-in-the-israeli-palestinian-conflict> (Accessed 23 June 2022).
7. "Ben Gurion Should Have Thrown out Palestinians Israeli MK," (2021, October 14) *Al Araby* ([english.alaraby.co.uk](http://english.alaraby.co.uk)) Available at: <https://english.alaraby.co.uk/news/ben-gurion-shouldve-thrown-out-palestinians-israeli-mk> (Accessed 4 August 2022).

8. Bligh, Alexander. (2005) "Israeli Arab Members of the 15th Knesset," in Alexander Bligh, ed. *The Israeli Palestinians: An Arab Minority in the Jewish State*, pp. 2-14. London, UK: Frank Cass.
9. Boxerman, Aaron. (2021, June 3) "History Made as Arab Israeli Ra'am Party Joins Bennett-Lapid Coalition," *Time of Israel*. Available at: <https://www.timesofisrael.com/arab-israeli-raam-party-makes-history-by-joining-bennett-lapid-coalition> (Accessed 12 March 2022).
10. Findell-Aghnati, Andrew; and Tala Majzoub. (2022, February 3) "From Inside and Outside: Palestinian Youth Reshaping Old Electoral Systems," *Commentary*, Arab Reform Initiative. Available at: <https://www.arab-reform.net/publication/from-inside-and-outside-palestinian-youth-reshaping-old-electoral-systems> (Accessed 28 June 2022).
11. Frisch, Hillel. (2011) *Israel's Security and Its Arab Citizens*. Cambridge, UK: Cambridge University Press, <DOI:10.1017/CBO9780511820649>.
12. Ghanem, As'ad. (2016) "Israel's Second-Class Citizens: Arabs in Israel and the Struggle for Equal Rights," *Foreign Affairs* 95, 4: 37-42. Available at: <http://www.jstor.org/stable/43946930> (Accessed 14 March 2022).
13. Goren, Tamir. (2006) "Cooperation is the Guiding Principle": Jews and Arabs in the Haifa Municipality during the British Mandate," *Israel Studies* 11, 2: 108-141, <DOI:10.1353/is.2006.0027>.
14. Halabi, Yakub. (2014) "Democracy, Clan Politics and Weak Governance: The Case of the Arab Municipalities in Israel," *Israel Studies* 19, 1: 98-125. Available at: <https://muse.jhu.edu/pub/3/article/530445> (Accessed 14 March 2022).
15. Hamdy, Iman A. (2008, December) "The Druze in Israel: a Less Persecuted Minority?" *Contemporary Arab Affairs* 1, 3: 407-416. <DOI:10.1080/17550910802164309>.
16. Hesketh, Katie, et al. (2011, March) "The Inequality Report: The Palestinian Arab Minority in Israel. Haifa," *The Arab World Geographer* 13, 3-4: 234-284, <DOI:10.5555/arwg.13.3-4.f65uw818781k8101>.
17. Hitman, Gadi. (2013) "Israel's Arab Leadership in the Decade Attending the October 2000 Events," *Israel Affairs* 19, 2: 121-138, <DOI: 10.1080/13537121.2013>.
18. Holmes, Oliver. (2021, June 3) "Netanyahu Attacks 'Dangerous' Coalition Seeking to Topple Him," *Guardian*. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2021/jun/03/israel-fragile-anti-netanyahu-coalition-race-sworn-in> (Accessed 14 March 2022).
19. Jabareen, Hassan, et al. (2019, December 18) "The Jewish Nation-State Law: Antecedents and Constitutional Implications," in Hassan Jabareen, et al., eds. *Israel's Nation-State Law: Institutionalizing Discrimination*. Beirut: Institute for Palestine Studies. Available at: <https://www.palestine-studies.org/en/node/1650166> (Accessed 14 March 2022).
20. Jamal, Amal. (2006). "Political and Ideological Factors of Conflict in Palestinian Society," in Hans-Jorg, et al., eds. *Conflict and Conflict Resolution in Middle Eastern Societies: Between Tradition and Modernity*. Berlin: Duncker Humblot, 229-256. Available at: <https://www.semanticscholar.org/paper/Political-and-Ideological-Factors-of-Conflict-in-Jamal-Jamal/6984f2a3716660c12b1579e8875d5a4682249fef> (Accessed 4 August 2022).
21. Jiryis, Sabri. (1971) "Recent Knesset Legislation and the Arabs in Israel," *Journal of Palestine Studies* 1, 1: 53-67, <DOI:10.2307/2536000>.
22. Karsh, Efraim. (2021) "The Radicalization of the Israeli Arabs," *Mideast Security and Policy Studies* 196. Tel Aviv: the Begin-Sadat Center for Strategic

- Studies. Available at: <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2021/08/196web.pdf> (Accessed 14 March 2022).
23. Kimmerling, Baruch. (2008) *Clash of Identities: Explorations in Israeli and Palestinian Societies*. New York: Columbia University Press. Available at: <https://ciaotest.cc.columbia.edu/book/cup/0001178/0001178.pdf> (Accessed 14 March 2022).
  24. Kimmerling, Baruch; and Joel S. Migdal. (2003) *The Palestinian People*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
  25. Molavi, Shourideh. C. (2013) *Stateless Citizenship: The Palestinian-Arab Citizens of Israel*. Lieden: Brill.
  26. Moore, Dahlia; and Baruch Kimmerling. (1995) "Individual Strategies of Adopting Collective Identities: The Israeli Case," *International Sociology* 10, 4: 387-407, <DOI:10.1177/026858095010004003>.
  27. Mossawa Center, the Advocacy Center for Arab Citizens in Israel. (2019) *The Reign of the Right-Wing Israeli Government: Implications for Palestinian Arab Citizens*. Haifa: Mossawa Center. Available at: <https://www.mossawa.org/eng/?mod=articles&ID=796> (Accessed 2 October 2022).
  28. Peled, Yaov. (1992) "Ethnic Democracy and the Legal Construction of Citizenship: Arab Citizens of the Jewish State," *American Political Science Review* 86, 2: 432-443, <DOI:10.2307/1964231>.
  29. Queigly, John. (1990) *Palestine and Israel: A Challenge to Justice*. Durham, NC: Duke University Press.
  30. Rabinovich, Itamar. (2004) *Waging Peace: Israel and the Arabs, 1948-2003*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
  31. Rudnitzky, Arik; and Itamar Radai. (2017) *Citizen Identity and Political Participation: Measuring the Attitudes of the Arab Citizens in Israel*. Tel Aviv: The Konrad Adenauer Program for Jewish-Arab Cooperation. Available at: <https://dayan.org/content/citizenship-identity-and-political-participation-measuring-attitudes-arab-citizens-israel> (Accessed 29 August 2022).
  32. Mendel, Yonatan; and Ronald Ranta. (2016) *From the Arab Other to the Israeli Self: Palestinian Culture in the Making of Israeli National Identity*. London: Routledge.
  33. Al Mezan Center for Human Rights. (2021) *The Gaza Bantustan—Israeli Apartheid in the Gaza Strip*. Gaza: Al Mezan Center for Human Rights. Available at: <https://mezan.org/en/uploads/files/16381763051929.pdf> (Accessed 15 March 2022).
  34. Robinson, Glenn E. (2008, September) "Palestinian Tribes, Clans, and Notable Families," *Strategic Insights* 7, 4: 1-16. Monterey, CA: Center for Contemporary Conflict. Available at: <https://core.ac.uk/download/pdf/36704726.pdf> (Accessed 12 March 2022).
  35. Shafi, Salah Abdel. (2010, March 10) "Diversity in Unity? Fragmentation of the Palestinian People and the Fight for Unity," A Paper Presented at a Conference on *the Transformation of Palestine: Palestine and the Palestinians 60 Years after the 'Nakba*, Organized by Heinrich Böll Stiftung (The Green Political Foundation), in Berlin, Germany. Available at: [https://www.boell.de/sites/default/files/assets/boell.de/images/download\\_de/worldwide/2010-03-12\\_Dossier\\_Palaestine\\_Conference\\_Paper\\_diversity\\_in\\_unity\\_Abdel\\_Shafi\\_08032010.pdf](https://www.boell.de/sites/default/files/assets/boell.de/images/download_de/worldwide/2010-03-12_Dossier_Palaestine_Conference_Paper_diversity_in_unity_Abdel_Shafi_08032010.pdf) (Accessed 15 March 2022).
  36. Smooaha, Sammy. (1997) "Ethnic Democracy: Israel as an Archetype," *Israel Studies* 2, 2: 198-241. Available at: <http://www.jstor.org/stable/30246820> (Accessed 2 October 2022).
  37. Smooaha, Sammy. (2010) *Arab-Jewish Relations in Israel: Alienation and Rapprochement*. Washington, DC: United States Institute of Peace. Available at:

- [https://www.usip.org/sites/default/files/resources/PW67\\_Arab-Jewish\\_Relations\\_in\\_Israel.pdf](https://www.usip.org/sites/default/files/resources/PW67_Arab-Jewish_Relations_in_Israel.pdf) (Accessed 14 March 2022).
38. Sneineh, Mustafa Abu. (2021, July 9) "Israel: Palestinian Citizens Denounce Jewish Nation State Law," *Middle East Eye*. Available at: <https://www.middleeasteye.net/news/palestine-israel-denounce-jewish-nation-state-law-approval> (Accessed 2 October 2022).
39. The Country of Origin Information Centre. (2008, July 28) "Clan Conflicts in the Palestinian Territory," *Landinfo Report*, 1-19. Available at: [https://www.landinfo.no/asset/753/1/753\\_1.pdf](https://www.landinfo.no/asset/753/1/753_1.pdf) (Accessed 12 March 2022).
40. Valensi, Carmit. (2016) "The Evolution of the Palestinian Resistance," in Beatrice Heuser and Eitan Shamir, eds. *Insurgencies and Counterinsurgencies: National Styles and Strategic Cultures*. Cambridge, UK: Cambridge University Press, 226-245, <DOI:10.1017/9781316471364.011>.
41. Weinstock, Nathan. (1973) "The Impact of Zionist Colonization on Palestinian Arab Society before 1948," *Journal of Palestine Studies* 2, 2: 49-63, <DOI: 10.2307/2535480>.
42. Wermenobl, Grace. (2019, September 16) "The Ongoing Divide: Palestinian Participation in Israeli Election," *Middle East Institute (MEI) Policy Paper* 2019-17. Available at: <https://www.mei.edu/publications/ongoing-divide-palestinian-participation-israeli-elections> (Accessed 2 October 2022).



Research Paper

## The Status of Arab Parties in the Political Structure of Israel

Javad Rekabi Sharbaf\*

Assistant Professor, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 21 September 2020, Accepted: 30 January 2023  
© University of Tehran

### Abstract

Political participation of groups, parties, and minorities is a major topic of modern politics. Democracy is defined and measured by the use of a score of indicators, including the removal of all legal obstacles for the full representation of all citizens, the fair and equitable access of minorities to political decision-making mechanisms and processes, and governing elite rotation irrespective of ethnic-religious identities. Based on the indices of democracy, the more a political regime and the ruling majority observe the minorities' rights, the higher the rank of the political system would be. Participation of the Arab and Palestinian parties in the occupied territories is a major challenge for Israel. On the one hand, Israel has evaded facilitating real and practical participation of the 48 Arabs and, on the other, it has no option other than tolerating the growing significance of the population of the Arab Israelis in its political system. After the ratification of the Jewish Nationality Bill, Israel has shown very little commitment to Palestinians' minimal participation already in place. The electoral system that informally enforces Knesset membership, compliance with the ruling system, and agreement with the central government literally means the exclusion of the Palestinians from various forms of political participation. Absurdly, the Arab parties' internal coalitions with themselves and with the ruling parties have not been facilitating their reasonable inclusion in political decision-making at the national level.

In the present paper, the Arab parties' Knesset participation and outcomes during the past five decades were examined, and Palestinians' political representation in Israeli Parliament were compared and contrasted to that of Israeli and Jewish parties. The main research questions are as follows: 1. What are main Arab political parties in Israel? 2. Why are they not allowed to really influence Israeli politics despite the all-round participation of Palestinians in various elections, and the presence of some Arab representatives in the Knesset? In the hypothesis, it is stated that the

---

\*Corresponding Author Email: sharbaf@ut.ac.ir

disproportional ceiling specified for the participation of non-Jews in the political process in Israel has affected the extent and quality of the influence of the Palestinian Arab parties even if they would gain a large percentage of the popular votes. Using an analytical-explanatory approach, we collect and analyze quantitative and qualitative data on a number of important independent variables including legal obstacles to political participation of Arab parties with different political-religious ideology (e.g., Christian, Sunni, secular, socialist and communist), the level of participation of Palestinians in the Knesset elections held during 1949-2019 time period. The findings confirm that the coalition of Arab parties with each other or with the top Jewish parties had not facilitated their entry into the cabinet or the high-level political executive positions in the government. Following the passage of the Jewish State Law, the Israeli government has demonstrated that it has virtually no commitment to guarantee even the low level of Palestinian participation. The analysis of the participation of Arab parties in the Knesset and its consequences during the last five decades shows a declining influence of these parties as a result of a greater tendency of Israeli government to keep the power of the Palestinian parties in check.

**Keywords:** Arab Parties, Election, Jewish Government, Knesset, Palestinians 48, Party System

#### **Declaration of conflicting interests**

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

#### **Funding**

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

**ORCID iDs:** <https://orcid.org/0000-0002-0776-4949>

#### **References**

- Aboultaif, Eduardo Wassim (2015) "Druze Politics in Israel: Challenging the Myth of "Druze-Zionist Covenant," *Journal of Muslim Minority Affairs* 35, 4: 533-555, <DOI:10.1080/13602004.2015.1039810>.
- Abdol Ali, Abdol Qadir. (2011) *Israel's Regime and its Political-Social Discontinuities*, trans. Mohammad Khajoi. Tehran: Abrare mo'aser. [in Persian]
- Amnesty International. (2022) *Israel's Apartheid Against Palestinians*. London: Amnesty International.
- Amr, Ziad Abu. (1998, September-October) *Notes on Palestinian Political Leadership. Middle East Report* 154. Available at: <https://merip.org/1988/09/notes-on-palestinian-political-leadership> (Accessed 23 June 2022).
- Averbukh, Lidia. (2021) "Towards Jewish-Arab Normalization in Israel: Israeli Arabs want a more Pragmatic Politics While Jewish Parties Court the Arab Vote," trans. Jan Cleave. *SWP Comment*. Berlin:



- Stiftung Wissenschaft und Politik (German Institute for International and Security Affairs). Available at: <https://www.swp-berlin.org/10.18449/2021C18> (Accessed 23 June 2022).
- Bar-Siman-Tov, Yaacov. (2010) "Barriers to Peace in the Israeli-Palestinian Conflict," Jerusalem Institute for Israel Studies 406 ([jerusalemstitute.org.il](http://jerusalemstitute.org.il)). Available at: <https://jerusalemstitute.org.il/en/publications/barriers-to-peace-in-the-israeli-palestinian-conflict> (Accessed 23 June 2022).
- "Ben Gurion Should Have Thrown out Palestinians Israeli MK," (2021, October 14) *Al Araby* ([english.alaraby.co.uk](http://english.alaraby.co.uk)) Available at: <https://english.alaraby.co.uk/news/ben-gurion-shouldve-thrown-out-palestinians-israeli-mk> (Accessed 4 August 2022).
- Bligh, Alexander. (2005) "Israeli Arab Members of the 15th Knesset," in Alexander Bligh, ed. *The Israeli Palestinians: An Arab Minority in the Jewish State*, pp. 2-14. London, UK: Frank Cass.
- Boxerman, Aaron. (2021, June 3) "History Made as Arab Israeli Ra'am Party Joins Bennett-Lapid Coalition," *Time of Israel*. Available at: <https://www.timesofisrael.com/arab-israeli-raam-party-makes-history-by-joining-bennett-lapid-coalition> (Accessed 12 March 2022).
- Findell-Aghnati, Andrew; and Tala Majzoub. (2022, February 3) "From Inside and Outside: Palestinian Youth Reshaping Old Electoral Systems," *Commentary*, Arab Reform Initiative. Available at: <https://www.arab-reform.net/publication/from-inside-and-outside-palestinian-youth-reshaping-old-electoral-systems> (Accessed 28 June 2022).
- Frisch, Hillel. (2011) *Israel's Security and Its Arab Citizens*. Cambridge, UK: Cambridge University Press, <DOI:10.1017/CBO9780511820649>.
- Ghanem, As'ad. (2016) "Israel's Second-Class Citizens: Arabs in Israel and the Struggle for Equal Rights," *Foreign Affairs* 95, 4: 37-42. Available at: <http://www.jstor.org/stable/43946930> (Accessed 14 March 2022).
- Goren, Tamir. (2006) "Cooperation is the Guiding Principle": Jews and Arabs in the Haifa Municipality during the British Mandate," *Israel Studies* 11, 2: 108-141, <DOI:10.1353/is.2006.0027>.
- Halabi, Yakub. (2014) "Democracy, Clan Politics and Weak Governance: The Case of the Arab Municipalities in Israel," *Israel Studies* 19, 1: 98-125. Available at: <https://muse.jhu.edu/pub/3/article/530445> (Accessed 14 March 2022).
- Hamdy, Iman A. (2008, December) "The Druze in Israel: a Less Persecuted Minority?" *Contemporary Arab Affairs* 1, 3: 407-416. <DOI:10.1080/17550910802164309>.
- Hesketh, Katie, et al. (2011, March) "The Inequality Report: The Palestinian Arab Minority in Israel. Haifa," *The Arab World Geographer* 13, 3-4: 234-284, <DOI:10.5555/arwg.13.3-4.f65uw818781k8101>.
- Hitman, Gadi. (2013) "Israel's Arab Leadership in the Decade Attending the October 2000 Events," *Israel Affairs* 19, 2: 121-138, <DOI:10.1080/13537121.2013>.

- Holmes, Oliver. (2021, June 3) "Netanyahu Attacks 'Dangerous' Coalition Seeking to Topple Him," *Guardian*. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2021/jun/03/israel-fragile-anti-netanyahu-coalition-race-sworn-in> (Accessed 14 March 2022).
- Jabareen, Hassan, et al. (2019, December 18) "The Jewish Nation-State Law: Antecedents and Constitutional Implications," in Hassan Jabareen, et al., eds. *Israel's Nation-State Law: Institutionalizing Discrimination*. Beirut: Institute for Palestine Studies. Available at: <https://www.palestine-studies.org/en/node/1650166> (Accessed 14 March 2022).
- Jamal, Amal. (2006). "Political and Ideological Factors of Conflict in Palestinian Society," in Hans-Jorg, et al., eds. *Conflict and Conflict Resolution in Middle Eastern Societies: Between Tradition and Modernity*. Berlin: Duncker Humblot, 229-256. Available at: <https://www.semanticscholar.org/paper/Political-and-Ideological-Factors-of-Conflict-in-Jamal-Jamal/6984f2a3716660c12b1579e8875d5a4682249fef> (Accessed 4 August 2022).
- Jiryis, Sabri. (1971) "Recent Knesset Legislation and the Arabs in Israel," *Journal of Palestine Studies* 1, 1: 53-67, <DOI:10.2307/2536000>.
- Karsh, Efraim. (2021) "The Radicalization of the Israeli Arabs," *Mideast Security and Policy Studies* 196. Tel Aviv: the Begin-Sadat Center for Strategic Studies. Available at: <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2021/08/196web.pdf> (Accessed 14 March 2022).
- Kimmerling, Baruch. (2008) *Clash of Identities: Explorations in Israeli and Palestinian Societies*. New York: Columbia University Press. Available at: <https://ciaotest.cc.columbia.edu/book/cup/0001178/0001178.pdf> (Accessed 14 March 2022).
- Kimmerling, Baruch; and Joel S. Migdal. (2003) *The Palestinian People*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Molavi, Shourideh. C. (2013) *Stateless Citizenship: The Palestinian-Arab Citizens of Israel*. Lieden: Brill.
- Moore, Dahlia; and Baruch Kimmerling. (1995) "Individual Strategies of Adopting Collective Identities: The Israeli Case," *International Sociology* 10, 4: 387-407, <DOI:10.1177/026858095010004003>.
- Mossawa Center, the Advocacy Center for Arab Citizens in Israel. (2019) *The Reign of the Right-Wing Israeli Government: Implications for Palestinian Arab Citizens*. Haifa: Mossawa Center. Available at: <https://www.mossawa.org/eng/?mod=articles&ID=796> (Accessed 2 October 2022).
- Peled, Yaov. (1992) "Ethnic Democracy and the Legal Construction of Citizenship: Arab Citizens of the Jewish State," *American Political Science Review* 86, 2: 432-443, <DOI:10.2307/1964231>.
- Queigly, John. (1990) *Palestine and Israel: A Challenge to Justice*. Durham, NC: Duke University Press.
- Rabinovich, Itamar. (2004) *Waging Peace: Israel and the Arabs, 1948-2003*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Rudnitzky, Arik; and Itamar Radai. (2017) *Citizen Identity and Political Participation: Measuring the Attitudes of the Arab Citizens in Israel*.

- Tel Aviv: The Konrad Adenauer Program for Jewish-Arab Cooperation. Available at: <https://dayan.org/content/citizenship-identity-and-political-participation-measuring-attitudes-arab-citizens-israel> (Accessed 29 August 2022).
- Mendel, Yonatan; and Ronald Ranta. (2016) *From the Arab Other to the Israeli Self: Palestinian Culture in the Making of Israeli National Identity*. London: Routledge.
- Al Mezan Center for Human Rights. (2021) *The Gaza Bantustan—Israeli Apartheid in the Gaza Strip*. Gaza: Al Mezan Center for Human Rights. Available at: <https://mezan.org/en/uploads/files/16381763051929.pdf> (Accessed 15 March 2022).
- Robinson, Glenn E. (2008, September) “Palestinian Tribes, Clans, and Notable Families,” *Strategic Insights* 7, 4: 1-16. Monterey, CA: Center for Contemporary Conflict. Available at: <https://core.ac.uk/download/pdf/36704726.pdf> (Accessed 12 March 2022).
- Shafi, Salah Abdel. (2010, March 10) “Diversity in Unity? Fragmentation of the Palestinian People and the Fight for Unity,” A Paper Presented at a Conference on *The Transformation of Palestine: Palestine and the Palestinians 60 Years after the ‘Nakba*, Organized by Heinrich Böll Stiftung (The Green Political Foundation), in Berlin, Germany. Available at: [https://www.boell.de/sites/default/files/assets/boell.de/images/download\\_de/worldwide/2010-03-12\\_Dossier\\_Palaestine\\_Conference\\_Paper\\_diversity\\_in\\_unity\\_Abel\\_Shafi\\_08032010.pdf](https://www.boell.de/sites/default/files/assets/boell.de/images/download_de/worldwide/2010-03-12_Dossier_Palaestine_Conference_Paper_diversity_in_unity_Abel_Shafi_08032010.pdf) (Accessed 15 March 2022).
- Smooha, Sammy. (1997) “Ethnic Democracy: Israel as an Archetype,” *Israel Studies* 2, 2: 198-241. Available at: <http://www.jstor.org/stable/30246820> (Accessed 2 October 2022).
- Smooha, Sammy. (2010) *Arab-Jewish Relations in Israel: Alienation and Rapprochement*. Washington, DC: United States Institute of Peace. Available at: [https://www.usip.org/sites/default/files/resources/PW67\\_Arab-Jewish\\_Relations\\_in\\_Israel.pdf](https://www.usip.org/sites/default/files/resources/PW67_Arab-Jewish_Relations_in_Israel.pdf) (Accessed 14 March 2022).
- Sneineh, Mustafa Abu. (2021, July 9) “Israel: Palestinian Citizens Denounce Jewish Nation State Law,” *Middle East Eye*. Available at: <https://www.middleeasteye.net/news/palestine-israel-denounce-jewish-nation-state-law-approval> (Accessed 2 October 2022).
- The Country of Origin Information Centre. (2008, July 28) “Clan Conflicts in the Palestinian Territory,” *Landinfo Report*, 1-19. Available at: [https://www.landinfo.no/asset/753/1/753\\_1.pdf](https://www.landinfo.no/asset/753/1/753_1.pdf) (Accessed 12 March 2022).
- Valensi, Carmit. (2016) “The Evolution of the Palestinian Resistance,” in Beatrice Heuser and Eitan Shamir, eds. *Insurgencies and Counterinsurgencies: National Styles and Strategic Cultures*. Cambridge, UK: Cambridge University Press, 226-245, <DOI:10.1017/9781316471364.011>.

- Weinstock, Nathan. (1973) "The Impact of Zionist Colonization on Palestinian Arab Society Before 1948," *Journal of Palestine Studies* 2, 2: 49-63, <DOI: 10.2307/2535480>.
- Wermenobl, Grace. (2019, September 16) "The Ongoing Divide: Palestinian Participation in Israeli Election," *Middle East Institute (MEI) Policy Paper* 2019-17. Available at: <https://www.mei.edu/publications/ongoing-divide-palestinian-participation-israeli-elections> (Accessed 2 October 2022).



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.